

# پرنوی افکار

طالقان

محمود

آیت الله سید

خلاصه شده و بازنوشته‌ی  
سید محمدرضا دین‌پرور





کتابخانہ آنلاین «طالقانی و زمانہ ما»

سرشناسه  
 عنوان و نام پدیدآور : دین پرور، محمدرضا، ۱۳۴۰ - ، اقتباس کننده  
 نو برای نسل نو/ سید محمود طالقانی؛  
 ویرایش ویژه، خلاصه و بازنویسی  
 سید محمدرضا دین پرور.  
 مشخصات نشر : تهران : قدیانی، ۱۳۹۸.  
 مشخصات ظاهری : ۳۱۲ ص.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۸-۰۶۲۲-۴  
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا  
 یادداشت : کتاب حاضر خلاصه و بازنویسی کتاب «پرتوی  
 از قرآن» اثر طالقانی است.  
 عنوان دیگر : پرتوی از قرآن : تفسیر نو برای نسل نو.  
 موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴  
 Quran -- Shiite hermeneutics -- 20th century  
 شناسه افزوده : طالقانی، سید محمود، ۱۲۹۸-۱۳۵۸ . پرتوی از  
 قرآن . برگزیده  
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۸ پ ۴۸۶/د ۹۸ BP  
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹  
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۶۸۱۵۹۱

به نام خدا



خلاصه شده و بازنوشتی  
سید محمد رضا دین پرور





موسسه انتشارات قدیانی

www.ghadayani.org

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۳۳۱۰ (خط ۵) | دورنگار: ۰۲۱-۶۶۴۰۳۲۶۲

## پرتوی از قرآن

آیت‌الله سید محمود طالقانی

خلاصه شده و بازنوشته‌ی سید محمدرضا دین‌پرور

ویراستار: محبوبه کرمی | طراح جلد: خسرو اشتری

کتابخانه گنجینه‌ی آیت‌الله العظمی (ره) | بخش هنری و فنی

زیر نظر شورای بررسی

چاپ اول: ۱۳۹۸ | تعداد: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۸-۰۶۲۲-۴ | ISBN: 978-600-08-0622-4

کد: ۹۸/۳۴۳۹

چاپ و صحافی: چاپخانه قدیانی، تهران

کلیه حقوق محفوظ است.

۴۰۰۰۰ تومان

## فهرست

- تقریظ استاد دکتر بهاءالدین خرمشاهی ..... ۱۱
- مقدمه‌ی استاد دکتر سیدمحمد مهدی جعفری ..... ۱۴
- عشق و تلاش، روشن‌بینی و نونگری ..... ۱۹
- طالقانی؛ امید و آرمان‌ها ..... ۲۵
- سوره‌ی اعلی ..... ۳۱
- شناوری؛ رمز رهایی \* به ناله‌ی دف و نی در خروش و ولوله‌اند \*  
بال بگشا و صغیر از شجر طوبی زن \* که ای حامل وحی، برتر خرام  
\* در دایره‌ی قسمت، اوضاع چنین باشد \* درخت سبز شد و مرغ  
در خروش آمد \* اگر در باده اندازد رخت عکس تجلی را \* هر که  
را بر رویش افتادی نظر \* رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی \*  
برآوردم از بی‌قراری خروش \* همه کارش ز خودکامی به بدنامی  
کشید آخر \* گیاهی باش سبز باش از تاب شوقش \* تو را چه بود  
که تا صبح می‌خروشیدی \* که دولتی دگرت در پی است جاویدان
- سوره‌ی غاشیه ..... ۵۳
- وظیفه‌ی نبی؛ یادآوری و بیداری \* خود، مایه‌ی عذاب خودند \*  
سراب سرکشی؛ تلاش بی‌حاصل \* اما نعمت‌های دیگر \* ای که

خاک تیره را تو جان دهی \* ای مبدل کرده خاکی را به زر

### سوره‌ی فجر ..... ۶۵

نه به سرکشی و ظلم و فساد \* در شب تیره به روشنی چو چراغ \*  
شود مست وحدت ز جام الست \* شعاع دید و دریافت؛ ضامن رسیدن به  
خیر \* در نظر هوشیار \* بخت این خاک از تلاش ما گشود \* سرکشی  
کرد و فکندیمش ز پای \* دیوها کردند دربان و وکیل \* برج و بارویت؛  
خدایم بشکند \* در بند خودپرستی و خودکامی \* تا دیگران گرسنه و  
مسکین‌اند \* فکرتشان یکسره از و هواست \* همه بسیط زمین رو نهد  
به ویرانی \* ای ظهور جلوه‌های لازوال \* چشم اگر داری بیا بنمایمت  
\* پرده برانداختی کار به اتمام رفت \* بیا بیا که نصیب تو هست جلوه‌ی  
دوست

### سوره‌ی بلد ..... ۹۷

آزادی بندیان \* دل به محبوب حجازی بسته‌ایم \* زین جهت با راه  
او پیوسته‌ایم \* تحوّل‌ی است که از رنج‌ها پدید آید \* غرور و غفلت و  
بی‌دردی \* آگاهی؛ طریق رهایی \* گرچه عین ذات را بی‌پرده دید \* در  
کشش‌ها؛ اختیار \* به چشم باز توان شب شناخت راه از چاه \* راه انبیا؛  
رهایی محرومان \* گشایید این بندها را گره \* نجات از خودخواهی‌ها و  
غفلت‌ها؛ در سایه‌ی وحی \* بیا که صحبت یاران غنیمت است ای دوست  
\* حق‌پوشان آتش‌افروز

### سوره‌ی شمس ..... ۱۱۷

دهقان بذر خویش \* حکمت‌هایی علمی و ظریف \* پس آنگه سوی  
آسمان کرد روی \* جهان آفرینش؛ ظرف تکامل انسان \* خود را برهاندمی  
ز سرگردانی \* در بیابان به شوق کعبه‌ی دوست \* از کهکشان تا انسان \*  
زمینه‌سازان ظلم و طغیان \* کوتاه‌اندیشی، قانون‌گریزی، سرکشی،... آنگاه  
عذاب \* که تو خشم‌گیری به‌قدر گناه



### سوره‌ی لیل ..... ۱۳۳

کوشش‌ها و کشش‌ها \* که تاریک شد چشمه‌ی آفتاب \* هر لحظه رنگی  
بت عیار درآید \* هر چه کنی به خود کنی \* به جز از عشق تو، باقی  
همه فانی است \* بقای جاودانش ده که حسن جاودان دارد \* خدا هم  
در تلاش آدمی است \* پرتگاه حق‌پوشی و روی‌گردانی \* رابطه‌ی تقوا و  
بخشش \* خدمت به خلق، دیدار روی دوست

### سوره‌ی ضحی ..... ۱۴۹

دست نوازش وحی \* به ذات پاک حق و آفتاب سلطنتش \* که او تو را  
نگذارد، به لطف بردارد \* جبرئیلش هم مددها می‌رساند \* مهر خداوند،  
چون تابش خورشید و جلوه‌های ماه \* بردهد شاخ امید تو ثمر \* رهرو  
ما اینک اندر منزل است \* ما بسی گم گشته باز آورده‌ایم \* ما بسی  
بی‌توشه را پرورده‌ایم \* یتیم خسته را ز پای برکن خار \* که به شکر  
پادشاهی، ز نظر مران گدا را \* بر چو تو دلبری سزد هر نفسی نثار جان

### سوره‌ی انشراح ..... ۱۶۵

سختی‌ها و قدرت‌های غیرخدایی را ندیده بگیر \* جای دریا و گهر  
سینه‌ی تنگی نبود \* گره ز قلب تو بگشود رب و دود \* دولت آمد به بر و  
بخت و سعادت برسید \* تا قیامت، باقی‌اش داریم ما \* مزدگانی بده ای  
دوست که محنت بگذشت \* بر این کار نیکو تو خود برگمار \* این مقامت  
برتر از چرخ بلند

### سوره‌ی تین ..... ۱۷۷

از خاک تا خدا \* زین همایون میوه کز هر شاخسار آورده‌ای \* شهر یاران  
است و خاک مهربانان این دیار \* هیچ موجود نیست چون تو تمام \*  
از اوج سربلندی افتی به خاک پستی \* اجر صبری است که در کلبه‌ی  
احزان کردم \* چه سود چون دل دانا و بینا نیست \* به امر و رای و تدبیر  
و مراد اوست گردون را







سوره‌ی خلق ..... ۱۸۷

رنگین کمان اعجاز \* بخوان به نام گل سرخ در صحاری شب \* راز  
طغیان و سرکشی \* ای بد معاملات به همه هیچ می‌خری \* نترسی که  
بر تو قند دیده‌ام؟ \* در خواری و عذاب ابد جاودان شود

سوره‌ی قدر ..... ۲۰۱

شبی! ناگهان خورشید \* آن شب قدر که این تازه براتم دادند \* شب  
تقدیر یزدانی که طالع‌ها در او باشد \* غم به کناره می‌رود مه به کنار  
می‌رسد

سوره‌ی بینه ..... ۲۱۱

تنها رهنما: دلیل و حجت و برهان \* سالک از نور هدایت ببرد راه به  
دوست \* به هر حرفی، صد مقال آورده است \* حقیقت را کتاب و دفتر  
اینجاست \* پرستشگاه ماه و اختر اینجاست \* آتشی کامد عذاب کافران \*  
نیست عیشی در جهان مانند عیش بزم عشق \* هوای هواک رضای رضاک

سوره‌ی زلزال ..... ۲۲۳

هرچه کنی به خود کنی \* آغاز عالم غلغله... پایان عالم؛ زلزله \* بر تو  
پرده‌ی اسرار اگر بدرد \* وانها که کرده‌ایم یکایک عیان شود \* هر تخم  
که کاری ثمر آن دروی فیض

کتابخانه آنلاین «مالتانی و زمانه ما»

سوره‌ی عادیات ..... ۲۲۹

به لحظه‌های ناب جهاد \* هر که مقصودش تو باشی تا نفس دارد بکوشد  
\* ای سخت گمان سست پیمان \* چشم‌انداز پرشور \* بر این داستان نیز  
باشد گواه \* به هر چه در دل ما بگذرد تو آگاهی

سوره‌ی القارعه ..... ۲۳۵

سبکبالان ساحل‌ها \* زان میان پروانه را در اضطراب انداختی \* خوش  
می‌کند به باده‌ی مشکین مشام جان \* خوش باش که ظالم نبرد راه به  
منزل

سوره‌ی تکوین ..... ۲۳۹

بازپچه‌ی مال و مقام \* عمر بگذشت به بی‌حاصلی و بوالهوسی \* به خیره  
همی چون کنی افتخار \* شاهبازان طریقت به مقام مگسی \* وزین نعمت  
بپرسش تا چه گوید

سوره‌ی عصر ..... ۲۴۵

زمان، کوره‌ی زیان و تکامل انسان \* هان ای زیان رسیده وقت تجارت  
آمد \* دریاست مجلس او دریاب وقت و در یاب \* کوشش هر حق‌گذاری  
یاد باد



سوره‌ی همزه ..... ۲۴۹

زوال مال و قدرت \* کفرست در این مذهب، خودبینی و خودرایی \*  
همایی چون تو عالی‌قدر، حرص استخوان حیف است \* این دوده بین که  
نامه‌ی من شد سیاه ازو

سوره‌ی فیل ..... ۲۵۵

پیش در آمد بعثت \* به نیروی یزدان کیهان خدای \* که کید دشمنت  
از جان و جسم دارد باز

### کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

سوره‌ی قریش ..... ۲۵۹

منت خدای را عزوجل \* ای قصر دل‌افروز که منزلگه انسی \* بیاش تخم  
عبادت حبیب من زان پیش \* ای گدایان خرابات خدا یار شما است



سوره‌ی ماعون ..... ۲۶۳

وای بر دین‌داران \* بت ساختیم در دل و خندیدیم \* خون یتیم درکشی  
و خواهی \* آموزگار خلق شدیم اما... \* ز آتش زهد ریا خرمن دین  
می‌سوزد \* نزد اینان مال مردم لقمه‌ی یک‌لحظه شد

سوره‌ی کوثر ..... ۲۶۹

تنها وارث تمام مفاخر او \* جام کوثر خود به دست اوست پُر \* من همان دم  
که وضو ساختم از چشمه‌ی عشق \* شده تیره، روز جفاپیشگان

سوره‌ی کافرون ..... ۲۷۵

مذهب علیه مذهب \* ای که باشد لات و عزّایت خدای \* من نجویم  
آنچه را معبود توست

سوره‌ی نصر ..... ۲۷۹

یاری خدا نزدیک است \* چون خدا بودی به هر جا یاورش \* کنون  
نو شود روزگار کهن \* تو دل همچو نور اندر آن تیره شب \* تو را باد  
پیروزی از آسمان

سوره‌ی لہب ..... ۲۸۵

دوزخ جنگ‌افروزان \* که نام تو باد از جهان، ناپدید \* ز مال بولہب و  
جنس او نمی‌بینی \* گفتند سوز آتش باشد نصیب ظالم \* که از برای  
فضیحت، فسانه‌شان یاد است

سوره‌ی اخلاص ..... ۲۹۱

آن تکیه‌گاه \* اوسیت باقی و دگرها همه در وی فانی \* در «احد» چون  
اسم او یک جلوه کرد \* در سرای وجود، غیر تو نیست

سوره‌ی فلق ..... ۲۹۷

وای از دست‌های پنهان \* برای ای صبح روشن دل خدا را \* از سر ما  
شر هر کس دور دار \* ما را شبی است از دل فرعون تیره‌تر \* بپرهیز  
زان مرد ناسودمند

سوره‌ی ناس ..... ۳۰۳

افسونگران و سوسه‌گر \* آفاق را کن به نفس، مشک‌بار صبح \* آدمی را  
دشمن پنهان، بسی است \* در سینه می‌کنند و سوسه، اشار انس و جن

